

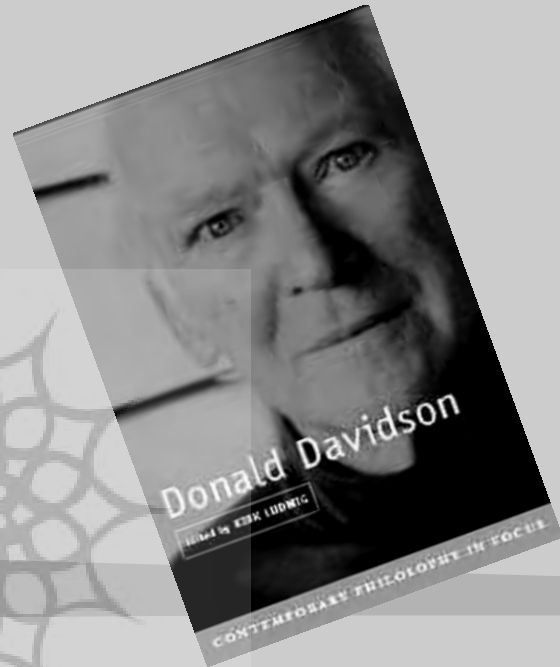
## دیویدسن، فیلسوف شهیر آمریکایی

در سالهای بعد، دیویدسن عمدتاً درباره معرفت‌شناسی کواین، نظریه نسبت، نظریه صدق و معناشناسی شرطیهای واقع به تدریس و سخنرانی پرداخت.

اولین اثر معروف وی «اعمال، دلایل و علل» (۱۹۶۳) بود. در این مقاله، دیویدسن استدلال آورد که دلایل و استدلالها نمی‌توانند به تنهایی اعمال را توضیح دهد، بلکه می‌تواند دلیل آنها نیز باشد. به گفته آلن گد (A. Code)، رئیس گروه فلسفه دانشگاه برکلی «این مقاله آغاز تلاش برای تمایز نهادن میان توضیح و تبیین اعمال آدمی، اعمالی همچون آرزوها و باورها، از توصیف و تبیین علی بود. این امر حکایت از نقش پیشتاز وی در حوزه فلسفه ذهن دارد.» در واقع، دیویدسن شیوه نگرش اهل فلسفه را درباره رابطه میان دلیل و عمل دگرگون ساخت. دلایل اعمال، علت آنها نیز هستند. وی علل و دلایل را در کنار هم جای داد. توماس ناگل، استاد فلسفه دانشگاه نیویورک نیز بر آن است که تحقیقات دیویدسن در حوزه فلسفه زبان، تغییرات بسیاری را در این قلمرو باعث گشت «دیویدسن بر این نظر بود که سمت و سوی فهم معرفت و رابطه میان زبان و واقعیت، خلاف آن چیزی است که از زمان دکارت بر تاریخ فلسفه حاکم بوده است. از زمان دکارت فرض بر این بود که ما خود را بهتر از باقی جهان می‌شناسیم و

دونالد هربرت دیویدسن، فیلسوف شهیر آمریکایی در ۸۶ سالگی در پی عمل جراحی در زانوی خود و به سبب ایست قلبی درگذشت (۳۰ اگوست، ۸ شهریور ۸۲). دیویدسن استاد بازنشسته دانشگاه برکلی در کالیفرنیا بود. وی در ایالت ماساچوست متولد شد، در دانشگاه هاروارد و در مقطع کارشناسی، ادبیات خواند. به واسطه جنگ جهانی دوم ترک تحصیل کرد، اما پس از خاتمه جنگ و در سال ۱۹۴۹ دکترای خود را از هاروارد در فلسفه کلاسیک دریافت کرد. دیویدسن در کوینز کالج نیویورک، دانشگاه راکفلر در پرینستون و دانشگاه شیکاگو و دانشگاه استنفورد و سرانجام در دانشگاه برکلی تدریس کرده بود. او در سال ۱۹۸۴ با فیلسوف فمینیست آمریکایی، ماریسا کاول ازدواج کرد، (کاول همسر سوم وی بود).

پایان‌نامه دکتری دیویدسن درباره رساله فیلیوس افلاطون بود. او با انتخاب این پایان‌نامه علاقه خود را به فلسفه کلاسیک نشان داد. اما گذشت زمان وی را به فلسفه تحلیلی نزدیک‌تر کرد. در دهه ۱۹۶۰، نوشته‌های وی در حوزه سمانتیک، معرفت‌شناسی و اخلاق بود. قرابت وی با کواین در این آثار مشهود است. دیویدسن پیشتر و در زمان تحصیل در دانشگاه هاروارد با کواین ارتباط نزدیکی داشت.



\*1971, **Agency**, in Robert Binkley, Richard Bronaugh and Ausonia Marras (eds), **Agent, Action and Reason**, Toronto: Un. of Toronto Press.

\*1977, **The Method of Truth in Metaphysics**, in P.A. French, T.E. Uehling Jr., and H.K. Wettstein (eds.), **Midwest Studies in Philosophy of language**, Morris: Un. of Minnesota Press.

\*1982, **Two Paradoxes of Irrationality**, in R. Wollheim and J. Hopkins (eds), **Philosophical Essays on Freud**, Cambridge: Cambridge Un. Press.

\*1984, **First - Person Authority**, *Dialectica*, 38.

\*1990, **Plato's Philebus**. New York: Garland Publishing.

\*1999, **Intellectual Autobiography**, in Haln (ed.),

\*2001, **Essays on Actions and Events**, Oxford: Clarendon Press.

\*2001, **Inquiries Into Truth and interpretation**, Oxford: Clarendon Press.

\*2001, **subjective, Intersubjective, Objective**, Oxford: Clarendon Press.

لاجرم واقعیت عینی بیرون از خودمان را باید بسازیم. این مسیر ما را به وضعیت خودمحور و خودبینانه‌ای سوق داده است. دیویدسن به واقع کوشید این نسبت را برعکس کند. فهم و شناخت خویش متکی بر فهم این مطلب است که ما بخشی از عالم واقع بوده و بادیگران در ارتباط هستیم.»

دیویدسن علاوه بر حوزه مطالعاتی خود، در ادبیات و موسیقی نیز اطلاعات عمیقی داشت. او جهانگرد بود و اطراف و اکناف عالم را گشته بود. آخرین بار و پیش از مرگش، در خرداد همین سال با همسرش به تانزانیا سفر کرد. اطلاعات ارزشمندی درباره جغرافیا و طبیعت مناطق مختلف داشت.

متأسفانه هیچ‌یک از آثار دیویدسن به زبان فارسی ترجمه نشده است و جای دارد که محققان فلسفه تحلیلی در این باره همتی به خرج دهند. در زیر به مهم‌ترین آثار دیویدسن اشاره می‌کنیم.

\*1957, **Decision - Making: An Experimental Approach**, with P. Suppes, Stanford Un. Press, reprinted, 1977, Chicago: Chicago Lin. Press.

\*1963, **Actions, Reasons and causes**, *Journal of philosophy*, 60.